

حقوق اقلیت‌ها از نظر پیامبر اسلام و حقوق ایران

دکتر فخرالدین اصغری آقمشهدی [1]

چکیده

رعایت حقوق اقلیت‌ها یکی از دغدغه‌های جامعه بشری در زمان حاضر می‌باشد که در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در دین اسلام نیز رعایت حقوق اینگونه افراد مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر اسلام نه تنها تبعیض نژادی را هرگز به رسمیت نشناخته بلکه بارها بر تساوی نژادها تصریح کرده است. چنانکه در فتح مکه فرمود: «مردم از زمان آدم تا امروز مثل دندانه‌های شانه (مساوی) هستند. هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم و برای سرخ بر سیاه وجود ندارد مگر به سبب تقوی». پیامبر در عمل نیز اینچنین می‌کرد. به عنوان مثال، بلال حبشی به عنوان اولین مؤذن انتخاب شد و علاوه بر مؤذنی عهده دار امور مالی پیامبر نیز بود. اقلیت‌های دینی نیز در پناه اسلام در انجام مراسم عبادی و حفظ آیین خود آزاد بوده‌اند و هیچکس حق اذیت و آزار آنها را نداشت. حتی پیامبر فرمود: «هر کس به انسانی که در پناه اسلام است ظلم کند روز قیامت در برابر او خواهم بود و علیه او سخن خواهم گفت». قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از تعالیم اسلام و سیره نبوی بر تساوی نژادی مردم ایران (اصل 19) و بر آزادی اقلیت‌های دینی در انجام مراسم دینی خود (اصل 13) تأکید ورزیده است.

واژه‌های کلیدی: اقلیت‌های نژادی، اقلیت‌های دینی، یهود، نصاری

مسأله اقلیت ها از لحاظ تاریخی به دوران قدیم و تأسیس امپراطوری های بزرگ بر می گردد . به عنوان مثال ، می توان به فرمان کوروش کبیر که در سال 538 قبل از میلاد پس از ورود فاتحانه به شهر بابل برای آزادی ملل در اسارت بابلی ها صادر گردید ، اشاره کرد که متن آن بر کتیبه ای استوانه ای در چهل و پنج سطر حک شده و به اعلامیه کوروش معروف است (حمایت از حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل/ پاورقی شماره 1) . در پیمان ها و اعلامیه های مختلف بین المللی [2] نیز به مسأله حمایت از حقوق اقلیت ها تأکید شده است که جامع ترین آنها اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی ، دینی یا زبانی مصوب 18 دسامبر 1992 (مصادف با آذر 1371) می باشد . اعلامیه مزبور گرچه جنبه الزام آور برای دولتها ندارد همانند اکثر اعلامیه های صادره از سوی سازمان ملل متحد دارای تأثیر سیاسی و بین المللی است . احتمال می رود در آینده مفاد این اعلامیه مبنایی برای تدوین یک کنوانسیون بین المللی در این زمینه گردد . در دین مبین اسلام نیز حقوق اقلیت ها مورد توجه خاص قرار گرفته است.

شایان ذکر است با توجه به تبلیغات منفی جهان غرب علیه جهان اسلام و دولت ایران در خصوص رعایت حقوق بشر که حقوق اقلیت ها یکی از مصادیق آن است، بررسی موضوع از دیدگاه پیامبر و حقوق موضوعه ایران می تواند تا حدود زیادی تبلیغات مزبور را خنثی نماید. چنانکه در همایش « تقویت جهانی بودن حقوق بشر: دیدگاه های اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر » [3] که در نوامبر 1998 (آبان 1377) در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو برگزار گردید خانم رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر در پایان همایش اظهار داشت: « من از وجود اصول و قواعد بنیادین اسلام در رابطه با کرامت انسانی، بر قراری عدالت، حمایت از ضعیف، تعاون و همبستگی، احترام به دیگر فرهنگ ها و عقاید آگاهی پیدا کردم ... اصول اسلام در رابطه با کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی منبعی غنی برای مواجهه با بحث های امروزی حقوق بشر است. توجه اسلام به کرامت

انسانی سابقه ای دیرینه دارد و آن چنان پویا و زنده است که می تواند با چالش های امروز حقوق مواجهه نماید»
(حقوق بشر و راه کارهای اجرای آن / 59).

در مقاله حاضر پس از بیان مفهوم اقلیت تنها به سیره پیامبر و حقوق ایران در این خصوص می پردازیم:

1 - مفهوم اقلیت

از سوی سازمان ملل متحد و نهاد های تخصصی آن تلاش های زیادی جهت ارائه تعریف دقیق و کامل از اقلیت به عمل آمده است . لیکن ، هیچ یک به نتیجه ای مؤثر نرسیده است . زیرا ، تا کنون توافق عام بر سر گروه هایی که باید در این فرضیه گنجانیده شود، حاصل نگردیده است (حمایت از حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل/ پاورقی شماره 1). نخستین اقدام در این جهت یادداشت دبیر کل سازمان ملل متحد در تاریخ 27 دسامبر 1949 تحت عنوان « تعریف و دسته بندی اقلیت ها » است که در متن آن آمده است : « ... در عمل نمی توان به ارائه ی مفهومی ادبی برای تعریف اصطلاح اقلیت اکتفا کنیم . در این صورت می باید در واقع تقریبا تمامی اجتماعاتی را که در داخل کشور زندگی می کنند از جمله خانواده ها ، طبقات اجتماعی ، گروه های فرهنگی ، اشخاصی که به زبان های محلی صحبت می کنند و سایر گروه های مشابه « اقلیت » نامید». گزارش گر ویژه ی کمیسیون فرعی مبارزه علیه اقدامات تبعیضی و حمایت از اقلیت ها وابسته به کمیسیون حقوق بشر در سال 1972 طی گزارش نهایی خود اصطلاح اقلیت را این گونه تعریف کرده است: « ... گروهی که از لحاظ کمیت کمتر از باقی جمعیت یک کشور بوده و در وضعیتی غیر حاکم قرار دارند که اعضای آن از نقطه نظر قومی ، دینی یا زبانی دارای ویژگی هایی هستند که با باقی جمعیت متفاوت است و خصوصا دارای نوعی احساس همبستگی هستند که با آن، فرهنگ ها ، سنت ها ، دین و زبانشان را پاسداری می کنند » (همان). با توجه به تعریف مزبور برای اینکه جمعیتی به عنوان اقلیت شناخته شود باید دارای ویژگی های زیر باشد: 1 - از لحاظ تعداد باید از سایر اقشار جمعیت که حکومت را در دست دارند، کمتر باشند. 2 - حاکمیت را در دست نداشته باشند. 3 - تفاوت

نژادی، ملی، فرهنگی و یا تفاوت مذهبی با دیگران داشته باشند. البته، بدیهی است که اقلیت، تبعه کشوری که به آن تعلق دارند، محسوب می شوند و در نتیجه، شامل پناهنده یا مستأمن نخواهد شد.

در مقاله حاضر تنها به بررسی اقلیت های نژادی و دینی از دیدگاه پیامبر می پردازیم :

2 - پیامبر اسلام و اقلیت های نژادی

مردم زمان پیامبر را از لحاظ نژادی می توان در یک تقسیم بندی کلی به عرب و عجم تقسیم کرد . با این که قرآن به زبان عربی نازل شده و پیامبر اکرم عرب بوده و اسلام در عربستان طلوع کرده است و عمده ی نیروهای اداری حکومت پیامبر نیز عرب بوده اند از دیدگاه پیامبر عربیت هرگز یک اولویت محسوب نمی شد . به عبارت دیگر، در مکتب تربیتی پیامبر اسلام تعلق فرد به نژاد یا قبیله ی خاصی موجب امتیاز او بر دیگران نبود . سخنان پیامبر در فتح مکه مؤید این ادعا است (الجامع لاحکام القرآن / 16 / 341 ؛ فروع ابدیت / ج 2 / 733 - 734 ؛ السیره النبویه / 4 / 54). زیرا، آن حضرت فرمودند : « ای مردم ، خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباهات به وسیله انساب را از میان شما بر داشته است . همگی از آدم به وجود آمده اید و او نیز از خاک آفریده شده است . بهترین بندگان خدا با تقوا ترین آنها است » . حضرت برای این که به جهانیان اعلام کند که ملاک شخصیت و برتری ، تنها تقوی است در فراز دیگری از سخنان خود تمام مردم را به دو دسته تقسیم کردند و فضیلت را از آن کسانی دانستند که پرهیز کار باشند و با این تقسیم بندی خط بطلان بر سایر ملاک های موهوم برتری کشیدند . « انما الناس رجالان : مؤمن تقی کریم علی الله و فاجر شقی هین علی الله » همانا مردم دو دسته اند : گروهی مؤمن که نزد پروردگار گرامی و با کرامتند و گروهی ستمکار که نزد خداوند ذلیل و خوارند . حضرت در خصوص این که عربیت موجب امتیاز ذاتی نیست ، فرمودند : عربیت ملاک شخصیت و جزء ذات شما نیست. بلکه زبانی گویا است و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند افتخارات پدری او را به جایی نمی رساند و کمبود کار او را جبران نمی کند . حضرت در نهایت به صورت کلی اعلام فرمودند : « ان

الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل اسنان المشط لا فضل للعربي على العجمي و لا للاحمر على الاسود الا بالتقوى . پیامبر در حجه الوداع نیز نظیر جمله ی اخیر را بر زبان جاری فرمودند : « ... ايها الناس ان ربكم واحد و ان اباکم واحد، کلکم لآدم و آدم من تراب ان اکرمکم عندالله اتقيکم و ليس لعربي على عجمي فضل الا بالتقوى (تحف العقول عن آل الرسول / 29 ؛ بحارالانوار / 76 / 350). ای مردم ، پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است . همگی شما از آدم و آدم از خاک است . برای عرب بر عجم هیچ برتری و فضیلتی نیست مگر به واسطه تقوی . چنان که ملاحظه می شود تنها عامل برتری انسان ها بر یک دیگر تقوی می باشد . شایان ذکر است که برتری بر اساس تقوی نیز عامل تبعیض در اهداف مادی نیست بلکه، معیاری برای تقسیم وظایف و وسیله ای برای نیل به اهداف عالی انسانی است . پیامبر در جای دیگر می فرماید : خداوند به حسب و نسب نظاره نمی کند . نیروی جسمانی و قدرت مالی افراد معیار نیست . آری خداوند به دل های شما می نگرد . پس ، هر که دارای دلی پاک و نیک اندیش باشد مورد عنایت حق تعالی قرار می گیرد . هر آینه شما فرزندان آدمید و محبوب ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست (همان / 341). این گونه سخنان از پیامبر اسلام ریشه در تعالیم قرآن دارد که تمامی انسان ها را از هر نژاد و با هر نوع ویژگی مادی و معنوی آفریده شده از دو انسان مرد و زن می داند : الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منها رجالاً كثيراً و نساءً (نساء / 1). یکی از نمونه های بارز برخورد مساوی پیامبر با نژادهای مختلف تقسیم مساوی بیت المال بین تمام مسلمانان اعم از عرب و عجم بوده است. از امام صادق (ع) راجع به کیفیت تقسیم بیت المال سؤال شد . حضرت در جواب فرمود اهل اسلام همگی فرزندان اسلام هستند و بیت المال را بین آن ها به تساوی تقسیم می کنم. اگر بعضی از آن ها دارای فضیلتی هستند این امر مسأله ای بین آن ها و خداوند است (یعنی ، پاداش آن ها با خداوند است و موجب امتیاز مادی نخواهد بود). همه آن ها را به منزله ی فرزندان یک شخص می دانم که فضیلتی برای هیچ یک از آن ها بر دیگری نیست. امام در پایان فرمودند که سیره ی رسول خدا این چنین بوده است. [4] حضرت علی (ع) نیز که شاگرد و تربیت یافته ی مکتب نبوی است، این چنین عمل می کرد. در یک مورد ، دو زن نزد آن حضرت آمدند که یکی عرب و دیگری غیر عرب بود. حضرت به آن ها سهم مساوی داد . زن عرب در

اعتراض گفت من عرب و آن دیگری عجم است. حضرت فرمود در بیت المال فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری ندارند.[5] حضرت علی (ع) در عملکرد خود نسبت به برخورد مساوی با نژاد های مختلف و عدم تبعیض بین آن ها به سیره ی نبوی استناد می کرد. به عنوان مثال، وقتی عده ای از اصحاب آن حضرت نزد او آمدند و اظهار داشتند علت پیمان شکنی برخی افراد این است که شما آن ها را با عجم مساوی دانسته اید و سهم آن ها را در بیت المال مساوی با بقیه افراد قرار داده اید، حضرت فرمود: من اولین کسی نیستم که این کار را آغاز کرده باشد پیامبر نیز اینچنین می کرد. [6]

سلمان فارسی علی رغم اینکه عجم و غیر عرب بوده است اما وقتی در ماجرای جنگ احزاب به پیامبر اعلام کرد که در ایران ما در چنین مواردی، در اطراف شهر خندق حفر می کنند مسلمانان به تعجب افتادند و هر گروهی می خواست سلمان با آن ها باشد. مهاجران می گفتند سلمان از ما است. انصار می گفتند سلمان از ما است اما پیامبر فرمود: « سلمان منّا اهل البیت » (مجمع البیان / 2 / 427 ؛ اعیان الشیعه / 2 / 365 ؛ تهذیب تاریخ دمشق الکبیر / 6 / 200). قطعاً پیوند سلمان با اهل بیت پیوند نسبی نبوده است بلکه به دلیل کمالات انسانی او بوده است.

در موارد دیگری نیز پیامبر راجع به سلمان جمله ی مزبور را تکرار فرمودند. چنانکه یک روز سلمان به مجلسی وارد شد که رسول خدا (ص) در آن حضور داشت. افراد حاضر در آنجا به خاطر کهنسالی و پیوند او با رسول خدا (ص) و اهل بیت او را در صدر مجلس نشانند. در این حال یکی از مسلمانان وارد مجلس گردید و با مشاهده ی سلمان در صدر مجلس ناراحت شد و گفت: این مرد غیر عرب کیست که در میان ما اعراب در بالای مجلس نشسته است. رسول خدا با شنیدن این سخن نگران شد و بالای منبر قرار گرفت و فرمود: « این را بدانید که مردم از زمان حضرت آدم تا کنون مانند دندان های شانه برابر و مساوی هستند. هیچ عربی بر غیر عرب و هیچ سرخ پوستی بر سیاه پوست برتری و فضیلتی نخواهد داشت مگر اینکه دارای تقوای بیشتری باشد.

سلمان دریایی است که پایان ندارد و گنج وسیعی است که تمام نمی شود. سلمان از ما اهل بیت است (کنز العمال/ 3 / 699).

نمونه ی دیگر از تساوی نژادی نزد پیامبر جای گاه بلال حبشی در میان اصحاب آن حضرت است. بلال علی رغم اینکه یک برده ی سیاهپوست آزاد شده بود، به عنوان اولین مؤذن انتخاب شد (السیره النبویه/ 2 / 150 - 151). او علاوه بر مؤذنی، عهده دار امور مالی پیامبر نیز بود (اسد الغابه/ 1 / 415؛ مجمع البیان/ 1 / 385). وقتی ابوذر در نزاعی با بلال او را ابن السوداء (سیاه زاده) نامید پیامبر خدا گفتار او را برخاسته از تکبر زمان جاهلیت نامید و در ادامه فرمود: «فرزند سفید هیچ فضیلتی بر فرزند سیاه ندارد مگر به تقوی و عمل صالح». ابوذر با شنیدن این سخن پیامبر صورت بر خاک نهاد و سوگند یاد کرد تا بلال پا بر گونه او نگذارد، سر بر ندارد و بلال چنین کرد (شرح نهج البلاغه/ 11 / 198).

در فتح مکه بلال، سلمان و صهیب با دیدن ابوسفیان گفتند شمشیر های الهی گردن وی را نگرفت. ابوبکر به آن ها گفت آیا راجع به سید قریش این چنین سخن می گوئید. از این رو، نزد پیامبر (ص) از آنان شکایت کرد. حضرت خشم آن سه تن را (با این که هر سه از نژاد غیر عرب بودند: بلال از حبشه، سلمان از ایران و صهیب از یونان) خشم الهی توصیف نمود. [7]

3 - حقوق اقلیت های نژادی در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از تعالیم اسلام در اصل 19 مقرر می دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود». اصل بیستم نیز به طور عام و بدون اشاره به نژاد یا زبان خاصی مقرر می دارد: «همه ی افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». از بند 8، 9 و 14 اصل سوم قانون اساسی نیز می توان تساوی عموم افراد ملت را با

صرف نظر از تعلق آنها به اقوام، نژادها و زبان های مختلف استنباط کرد. به موجب اصل مزبور وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران عبارت است از ... 8 - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش 9 - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی ... 14 - تأمین حقوق همه جانبه ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. ماده 38 قانون کار در رعایت مساوات در تعیین دستمزد مقرر می دارد: « ... تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است».

از طرف دیگر، در هیچ یک از اصول قانون اساسی و یا سایر قوانین برخورداری از هیچ حق یا احراز شغل و سمتی منوط به تعلق فرد به قومیت یا نژاد یا زبان خاصی نشده است.

4 - پیامبر اسلام و اقلیت های دینی

در زمان پیامبر یهود و نصاری از اقلیت های دینی بودند که در سرزمین های اسلامی زندگی می کردند و به آن ها اهل ذمه می گفتند. هر چند از نظر اسلام دین حق و توحید باید سراسر عالم را فرا گیرد و هر انسانی مسؤول است که با درک و اندیشه خود به مبدأ و قیامت ایمان بیاورد هرگز پیروان سایر ادیان را به پذیرش دین اسلام اجبار نمی نماید. خداوند در قرآن می فرماید: « لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی » (بقره / 256) هیچ اجباری در دین نیست و راه هدایت و رستگاری از راه ضلالت و گمراهی مشخص شده است. در شأن نزول آیه ی مزبور آمده است هنگامی که در سال چهارم هجری یهود بنی نضیر که به لحاظ نقض پیمان و خیانتی که نسبت به پیامبر اسلام (ص) کردند ناگزیر به ترک محل خود شدند در بین آن ها جوانانی از برخی خانواده های مسلمان وجود داشتند که یهودی بودند و می خواستند با آن ها بروند. خانواده های آن ها مانع شدند و آن ها را ملزم به اسلام آوردن کردند و آیه فوق نازل شد (المیزان / 2 / 365). در آیه 99 سوره یونس نیز آمده است : « و لو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعا أ فأنت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین » اگر خداوند بخواهد

تمام ساکنین زمین ایمان می آورند آیا می خواهی مردم را مجبور کنی تا ایمان بیاورند؟ بر اساس این تعالیم بود که پیامبر حتی کنیز خود ریحانه را که یک یهودی بود وادار به پذیرش اسلام نکرد. او بر دین خود باقی ماند تا آن که به دلخواه خود مسلمان شد (ابن کثیر ، السیره النبویه / 604).

پیامبر نه تنها پیروان سایر ادیان را وادار به پذیرش اسلام نمی کرد بلکه هرگز اجازه اذیت و آزار آنها را نمی داد. حتی در روایات آمده که آن حضرت فرمود: « هر کس ذمی را بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد » و « هر کس شخصی را که در پناه اسلام است به ناحق بکشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد ». [8] همچنین فرمود: « هر کس به انسانی که در پناه اسلام است ظلم کند و او را کم انگارد و بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی را بدون رضایت از او بگیرد من روز قیامت در برابر او خواهم بود و علیه او سخن خواهم گفت » [9]. امام سجاد (ع) در رساله الحقوق در خصوص حق اهل ذمه از پیامبر خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: « هر کس به انسانی که در پناه اسلام است، ظلم کند من دشمن او خواهم بود ». [10] این سخنان و رفتار های کریمانه پیامبر بود که به اهل کتاب جرئت می بخشید او را به پیروی از دین خود دعوت نمایند. در نشستی که بزرگان یهود و نصاری با پیامبر داشتند عبدالله بن صریا یهودی خطاب به آن حضرت می گوید: « ای محمد ، هدایت همان است که ما بر آنیم تو هم از ما پیروی کن تا هدایت شوی ». مسیحیان نیز همین سخن را تکرار کردند. در این جا بود که این آیه نازل شد: و قالوا کونوا هوداً او نصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین (بقره / 135 - السیره النبویه / 191 / 2).

با توجه به اهمیت بحث ، در ذیل به بررسی رفتار پیامبر با یهود و نصاری جداگانه می پردازیم :

1- 4 - رفتار پیامبر با یهود

پیامبر اسلام پس از ورود به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی با گروه های زیادی پیمان بستند. آن چه در اینجا مورد توجه ماست پیمان هایی است که یهود در آن شرکت داشته اند. یکی از آن ها پیمانی است که با مهاجرین و انصار منعقد شده و یهود نیز جزو آن ها بوده اند و دیگری پیمانی است که با خصوص یهود سه طایفه بنی نضیر ، بنی قریظه و بنی قینقاع منعقد شده است. در ذیل به بررسی این دو پیمان می پردازیم :

الف - پیمان عمومی

چنانکه گفته شد پیامبر در آغاز هجرت قراردادی با تمام گروه های مدینه منعقد کردند که در آن از یهود نیز یاد شده است . در این جا تنها آن قسمت از پیمان نامه را که به یهودیان مرتبط است ، نقل می کنیم :

« ... هر یهودی که از ما تبعیت کند یاری می شود و با مسلمان مساوی است . به او ستم نمی شود و به دشمن او یاری نمی شود ... مادام که مسلمانان در جنگ باشند یهود به همراه آن ها هزینه جنگ را می پردازند . یهود بنی عوف و بندگانشان با مسلمانان یک امت محسوب می شوند . یهود دین خود را دارند و مسلمانان دین خود را مگر اینکه ستم کنند که در این صورت خود و خانواده شان را به هلاکت خواهند افکند . برای یهود بنی نجار ، بنی حارث ، بنی ساعده ، بنی جشم ، بنی اوس ، بنی ثعلبه و بنی شطیبه همان حقوق بنی عوف ثابت است . نزدیکان ایشان نیز از این مزایا برخوردارند ... کسی بدون اجازه محمد (ص) از مدینه خارج نمی شود . از قصاص جراحی کوچک هم گذشت نخواهد شد . هر کس دیگری را ترور کند خود و خانواده اش را در معرض ترور قرار داده است مگر این که به او ستم شده باشد ... یهود و مسلمانان هزینه ی جنگ را به سهم خود می

پردازند ... اگر به یکی از طرفین این قرارداد حمله شود همگی او را یاری خواهند کرد ... یهود اوس ، خود و بندگانشان ، نیز از این حقوق برخوردارند ... » [11]

چنان که ملاحظه می شود پیامبر در پیمان مزبور به صراحت به آزادی یهودیان در حفظ آیین خود و دفاع از آن ها در صورت وقوع جنگ اشاره نموده اند.

ب - پیمان با سه گروه معروف یهود

یکی دیگر از پیمان های پیامبر با یهود پیمان آن حضرت با یهود بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع می باشد. آن ها نزد پیامبر آمدند و گفتند : مردم را به چه می خوانی ؟ پیامبر فرمود به گواهی دادن به توحید و رسالت خودم . من کسی هستم که نامم را در تورات می یابید و علمایتان گفته اند از مکه ظهور می کنم و به این سنگلاخ (مدینه) کوچ می کنم ... یهود گفتند آن چه گفتی شنیدیم. اکنون آمده ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی تا ببینیم کار تو و قومت به کجا می انجامد. پیامبر پذیرفت و میان آن ها قراردادی به شرح ذیل نوشته شد:

« یهود نباید علیه پیامبر (ص) یا یکی از یارانش با زبان، دست، اسلحه، مرکب (نه در پنهانی و نه آشکارا ، نه در شب و نه در روز) اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است. پس، اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد رسول خدا می تواند خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را غنیمت بگیرد ». [12]

چنانکه ملاحظه می شود پیامبر در پیمان مزبور نیز به یهودیان اجازه داد دین خود را در برابر تعهداتی که به عهده گرفتند، حفظ نمایند.

2 - 4 - رفتار پیامبر با نصاری

پیامبر چنانکه با یهود پیمان هایی را منعقد کرده بود با مسیحیان نیز پیمانی را منعقد نمود. پیمان مزبور پس از داستان مشهور مباحله بین مسیحیان نجران و پیامبر امضا شد. نکات اصلی پیمان مزبور شامل موارد زیر است:

الف - اموال جنگی که اهل نجران در اختیار سپاه اسلام قرار می دهند به صورت عاریه مضمونه است. یعنی ، چنانچه از بین برود یا آسیب ببیند باید جبران شود . ب - مردم نجران در حفظ آیین خود آزاد هستند و امنیت جان و مال آنها به رسمیت شناخته می شود . ج - راهبان و کشیشان از شغل و مقام خود بر کنار نخواهند شد و به کار خود ادامه خواهند داد . د - مسیحیان نجران از سرزمین خود تبعید نمی شوند و مسلمانان به سرزمین آن ها لشکر کشی نخواهند کرد. [13]

پیامبر در نامه ای به اسقف های نجران و کاهنان و راهبان اعلام داشت که اینان می توانند در جوار و پناه خدا زندگی کنند. هیچ اسقفی از مقام خود و هیچ راهبی از شأن خود و هیچ کاهنی از شغل خود بر کنار نخواهد شد (الطبقات الکبری / 1 / 266). در موردی دیگر گروهی از نصارای نجران به مدینه آمدند و از آنجا که پیامبر در مسجد حضور داشتند وارد مسجد شدند و وقتی خواستند نماز بخوانند پیامبر فرمود آنها را آزاد بگذارید و آنها به سوی شرق نماز خواندند (ابن هشام ، السیره النبویه / 2 / 217 - 216).

سیمون مسیحی که در اواسط قرن اول هجری می زیسته است در خصوص برخورد مسلمانان با مسیحیان می گوید: « مسلمانان که خداوند سرزمین ها را به آنان داد هرگز به دین مسیحیت حمله نکردند... آنان ما را در دین یاری می کردند و احترام خدا و قدیسان ما را داشتند » (روح الاسلام / 265 . به نقل از حقوق اقلیت ها در حکومت اسلامی / شماره 13).

5 - حقوق اقلیت های دینی در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با پیروی از تعالیم اسلام و سیره ی نبوی ضمن به رسمیت شناختن اقلیت های دینی آنها را در انجام مراسم دینی و عمل بر طبق آیین خود در احوال شخصیه و تعلیمات دینی آزاد گذاشته است. اصل سیزدهم در این خصوص مقرر می دارد: « ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه [14] و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند». چنانکه ملاحظه می شود در اصل مزبور به آزادی انجام مراسم مذهبی تصریح شده است و پیروان ادیان مزبور در عمل نیز دارای کلیساها، کنیسه ها و آتشکده های مختلف در کشور هستند. اصل چهاردهم نیز در خصوص اجرای عدالت اسلامی و رعایت اخلاق حسنه نسبت به آنها مقرر می دارد: « به حکم آیه شریفه لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین (ممتحنه/ 8) دولت جمهوری اسلامی ایران مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق همه کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند». با توجه به این اصل، در سال 1372 قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تصویب شد که به موجب آن قضات دادگاه ها باید در دعاوی مربوطه طبق قواعد مسلم مذهبی آن ها موضوع را فیصله دهند. علاوه بر این، در مواردی که امری که مطابق مذاهب مزبور جرم نباشد مقررات کیفری در قانون مجازات اسلامی در مورد آن ها اجرا نمی شود. به عنوان مثال، با این که شرب خمر به موجب ماده 165 قانون مجازات جرم بوده و به موجب ماده 174 مستوجب هشتاد تازیانه است، طبق تبصره ماده مزبور « غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود».

شایان ذکر است که اقلیت های دینی به موجب اصل 26 قانون اساسی می توانند دارای انجمن و جمعیت باشند. ماده 4 قانون فعالیت احزاب مصوب 1360 در این خصوص مقرر می دارد: « انجمن اقلیت های دینی موضوع اصل 13 قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه ی آن اقلیت باشد». بدیهی است که شناسایی تشکیل انجمن مستلزم به رسمیت شناختن داشتن مکانی برای انجام فعالیت است.

از طرفی، قانونگذار برای حضور هر چه بیشتر اقلیت های دینی در جامعه مقرر داشته است که آنها می توانند نمایندگانی مستقل در مجلس شورای اسلامی داشته باشند. با توجه به اصل 64 قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

در پایان لازم به ذکر است که غیر از سه اقلیت دینی که به رسمیت شناخته شده اند، در عمل مذاهب دیگری در کشور وجود دارند که قانون اساسی آن ها را به عنوان دین نمی شناسد و دولت تعهدی بر شناسایی و اجرای قواعد و مقررات مذهبی آن ها ندارد. در خصوص این دسته از افراد می توان گفت آنان حق انجام مراسم مذهبی را به صورت جمعی و علنی ندارند ولی با توجه به ممنوع بودن تفتیش عقائد، نمی توان آن ها را به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد (اصل 23). آنان از شهروندان دولت ایران محسوب می شوند و با توجه به قانون اساسی جان، مال و مسکن آن ها از تعرض مصون است. امام خمینی پیرو سؤالی که در سال 1363 از سوی شورای عالی قضایی در مورد نحوه ی اعمال مجازات در مورد غیر مسلمانان ساکن ایران اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب به عمل آمده بود، فرمودند: « کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان های دیگر در باره آن ها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است» (به نقل از دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی / 168).

نتیجه

توجه به حقوق اقلیت ها که امروزه یکی از مباحث مهم حقوق بشر است از صدر اسلام مورد توجه شارع مقدس بوده است. رفتار پیامبر با اقلیت ها اعم از اقلیت های نژادی و دینی مایه ی افتخار هر انسانی و به ویژه مسلمانان می باشد. پیامبر بارها بر تساوی نژادی انسان ها تأکید نموده است. یکی از این موارد سخنان پیامبر در فتح مکه و در حجه الوداع است.

جای گاه ویژه ای که برخی مسلمانان غیر عرب به واسطه ی ایمان خود نزد پیامبر داشتند گویای برابری نژادی انسان ها می باشد. پیامبر اسلام خشم سلمان فارسی، صهیب یونانی و بلال حبشی را که هر سه آن ها عجم و غیر عرب بوده اند، خشم خداوند تلقی کرد. بلال به عنوان اولین مؤذن در اسلام انتخاب شد و علاوه بر مؤذنی عهده دار امور مالی پیامبر نیز بود.

در خصوص اقلیت های دینی ، پیامبر آن ها را در حفظ آیین خود و انجام مراسم دینی آزاد گذاشت. در پیمان عمومی با یهود و پیمان با سه گروه معروف یهود (بنی قینقاع ، بنی قریظه و بنی نضیر) در برابر تعهداتی که آن ها به عهده گرفتند به آزادی آن ها در حفظ آیین خود و دفاع از آن ها در صورت وقوع جنگ بین آن ها و دیگران اشاره نمودند. در پیمانی که بین پیامبر و نصاری نجران نیز منعقد شد پیامبر بر آزادی آن ها در حفظ آیین خود تأکید ورزیدند و اعلام نمودند که کشیشان آنها از کار بر کنار نخواهند شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از تعالیم اسلام و سیره نبوی بر تساوی نژادی مردم ایران (اصل 19) و بر آزادی اقلیت های دینی در انجام مراسم دینی و عمل بر طبق قوانین خود در احوال شخصیه (اصل 13) و لزوم اجرای قسط و عدالت اسلامی و رعایت اخلاق حسنه نسبت به آن ها (اصل 14) تأکید ورزیده است و حتی مقرر داشته است که آنها می توانند در مجلس شورای اسلامی دارای نماینده باشند. در خصوص اقلیت هایی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده اند، با تمسک به اصول مختلف قانون اساسی می توان

گفت آن ها شهروندان ایران هستند که جان، مال و مسکن آن ها از هرگونه تعرض در امان است و با توجه به ممنوع بودن تفتیش عقاید، آن ها در انجام مراسم مذهبی خود به صورت انفرادی و غیر جمعی آزاد هستند.

فهرست منابع

1 - قرآن

2 - ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، دوره 4 جلدی ، ج 2 ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، 1409 ق

3 - ابن اثیر علی بن محمد ، اسد الغابه ، ج 1 ، بیروت ، دارالکتب العلمیه ، 1415 ق.

4 - ابن القیم الجوزیه ، زاد المعاد فی هدی خیر العباد ، چاپ 14 ، ج 3 ، بیروت ، مؤسسه الرساله ، 1407 ق.

5 - ابن حسام الدین علی (المتقی الهمدی) ، کنز العمال ، ج 3 .

6 - ابن عساکر (ابوالقاسم علی بن الحسن الشافعی) ، تهذیب تاریخ دمشق الکبیر ، بیروت ، ج 6 ، دار احیاء التراث العربی ، 1407 ق.

7 - ابن کثیر ، السیره النبویه ، بیروت ، دار احیاء التراث ، 1383 ق. .

8 - ابن سعد ، الطبقات الکبری ، ج 1 ، بیروت ، دار صادر ، 1405 ق.

9 - ابوداود سجستانی سلیمان ابن اشعث ، سنن ابی داود ، ج 2 ، دارالفکر ،

10 - ابن هشام عبدالملک ، السیره النبویه ، دوره 4 جلدی ، ج 2 و 4 ، چاپ دوم ، بیروت ، دارالکتب العربی ،

1410 ق

- 11- امین سید محسن ، اعیان الشیعه ، ج 2 ، بیروت ، دارالتعارف .
- 12 - بیهقی ، السنن الکبری ، ج 9 ، بیروت ، دار المعرفه ، 1356 ق. .
- 13 - حرّانی علی بن حسین بن شعبه ، تحف العقول عن آل الرسول ، قم ، مؤسسه نشر اسلامی ، 1417 ق.
- 14 - ذوالعین نادر ، حمایت از حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل ، مجله تحقیقات حقوقی ، ش 15 ، 1374 .
- 15 - سبحانی جعفر ، فروغ ابدیت ، ج 2 ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، بی تا .
- 16 - سید امیر علی ، روح الاسلام ، 1977 م. به نقل از شذی خفاجی ، حقوق اقلیت ها در حکومت اسلامی ، ترجمه حسینیان مهدی ، فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره 13 .
- 17 - صفایی سید حسین و قاسم زاده سید مرتضی ، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین) ، چاپ دوم ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) ، 1376 .
- 18- عاملی شیخ حر ، وسائل الشیعه ، ج 11 ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، بی تا .
- 19 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- 20 - قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب 1372.
- 21 - قانون فعالیت احزاب مصوب 1360.
- 22 - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، بیروت ، داراحیاءالتراث العربی ، ج 16 ، 1405 ق.

23 - طباطبایی سید محمد حسین ، المیزان ، ج 2 .

24- طبرسی ، اعلام الوری ، ج 1 ، قم ، مؤسسه آل البيت ، 1417 ق.

25- طبرسی ، مجمع البیان ، ج 1 و 2 ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی ، 1415 ق.

26- مجلسی محمد باقر ، بحارالانوار ، ج 19 و 76 ، بیروت ، مؤسسه الوفاء ، 1403 ق.

27 - مهرپور حسین ، حقوق بشر و راهکار های اجرای آن، تهران، اطلاعات، 1378.

Islam and The rights of Minorities in the view of the prophet of Iranian law

Aghmashadi (Assistant Professor of Mazandaran Fakhroddin Asghari : By
(University

Abstract

The observance of the minorities' rights is one of the concerns of human society in the present time which is emphasized by the different international conventions. The religion of Islam takes attention also to the minorities' rights. The messenger of Islam, not only has not recognized the racial discrimination, but expressed the equality of the races. On the of Mecca, he said: " From the era of Adem to now, the people are equal like the teeth of the comb. There is no priority for the Arab against the non-Arab, nor for the reds against blacks but by virtues". He did so in practice. For example, Belal was designated as the first caller for prayer (Moazzen

). He did also the financial affairs of the holy prophet. The Religious Minorities were free in performing the worship ceremony and keeping their religion. The holy prophet said: " Anybody who oppresses the people who are in the refuge of Islam, I will be against them on the resurrection day and, I will talk against them". The Iranian constitutional law, by following the Islamic teachings, stressed the racial equality and the freedom of Religious Minorities in performing their religious ceremony.

Religious Minorities, Jewish, Christine ,Racial Minorities :Key Words

[1] - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، عهده دار مکاتبات

fasgharia@yahoo.com

[2] - پیمان پیشگیری و سرکوبی جنایت کشتار عام مصوب 9 دسامبر 1948؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1949؛ اعلامیه بین المللی در باره حذف هر نوع تبعیض نژادی مصوب 1963؛ پیمان بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1964 و پیمان بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب 1966.

of Human Rights: Islamic Perspectives on the Enriching the Universality - 2

Human Rights Universal Declaration of

[4] - وسائل الشیعه / 11 / 81، حدیث 3. عن حفص بن غیاث قال : سمعت ابا عبد الله (ع) یقول و سئل عن

قسم بیت المال فقال : « اهل الاسلام هم ابناء الاسلام اسوی بینهم فی العطاء. و فضائلهم بینهم و بین الله. اجعلهم

کبنی رجل واحد لا یفضل احد منهم لفضله ... قال : و هذا هو فعل رسول الله (ص) فی بدو امره .

[5] - همان / حديث 4 . عن ابي اسحاق الهمداني انّ امرأتين اتتا علياً عند القسمه احدهما من العرب و اخرى من الموالى فأعطى كل واحد خمسه و عشرين درهماً و كراً من الطعام فقالت العرييه : يا امير المؤمنين انى امرأه من العرب و هذه امرأه من العجم فقال على (ع) : والله لا اجد لبنى اسماعيل فى هذا الفئ فضلاً على بنى اسحاق .

[6] - شرح نهج البلاغه / دوره 4 جلدى ، ج 2 / 173 - 172 . اما القسم و الاسوه فانّ ذلك امر لم أحكم فيه بادئ بدء قد وجدت أنا و انتما رسول الله (ص) يحكم بذلك و كتاب الله ناطق به

[7] - تهذيب تاريخ دمشق الكبير / 3 / 313 : ... يا ابا بكر لعلك اغضبتهم. لئن كنت اغضبتهم لقد اغضبت ربك .

[8] - السنن الكبرى / 9 / 205 : « من قتل قتيلاً من اهل الذمه لم يرح رائحه الجنه » « من قتل معاهدا بغير حق لم يرح رائحه الجنه » .

[9] - همان . « من ظلم معاهدا و انقصه و كلفه فوق طاعته او اخذ منه شيئاً بغير طيب نفسه منه فأنا حجيجه يوم القيامة » .

[10] - من ظلم معاهداً كنت خصمه

[11] - همان ، ص 144 - 145 : « ... و انه من تبعنا من يهود فإن له النصر و الأسوه ، غير مظلومين و لا متناصرين عليهم ... و ان اليهود ينفقون مع المؤمنين ما دامو محاربين ، و ان يهود بنى عوف امه مع المؤمنين ، لليهود دينهم و للمسلمين دينهم ، مواليهم و انفسهم الا من ظلم و اثم فانه لا يوتغ الا نفسه و اهل بيته ، و ان ليهود بنى نجار ما ليهود بنى عوف و ان ليهود بنى الحارث مثل ما ليهود بنى عوف و ان ليهود بنى ساعده مثل ما ليهود بنى عوف و ان ليهود بنى جشم مثل ما ليهود بنى عوف و ان ليهود بنى الاوس مثل ما ليهود بنى عوف و ان ليهود بنى ثعلبه مثل ما ليهود بنى عوف الا من ظلم و اثم ... و انه لا يخرج منهم احد الا باذن محمد (ص) و

انه لا ينحجز على ثار جرح و انه من فتك فبفسه فتك و اهل بيته الا من ظلم ... و ان على اليهود نفقتهم و على المسلمين نفقتهم و ان بينهم النصر على من حارب اهل هذه الصحيفه ... و ان يهود الاوس ، مواليهم و انفسهم ، على مثل ما لاهل هذه الصحيفه .

[12] - طبرسي ، اعلام الوري ، ج 1 ، قم ، مؤسسه آل البيت ، 1417 ق. ، ص 157 ؛ مجلسي ، بحار الانوار ، ج 19 ، بيروت ، مؤسسه الوفاء ، 1403 ق. ، ص 111 - 110 : « ... الا يعينوا على رسول الله (ص) و لا على أحد من اصحابه بلسان و لا يد و لا بسلاح و لا بكراع في السر و العلانيه لا لبيل و لا بنهار ، الله بذلك عليهم شهيد فان فعلوا فرسول الله في حل من سفك دمائهم و سبي ذراريهم و نسائهم و أخذ اموالهم » .

[13] - فروغ ابدیت / 2 / 820 - 819 ؛ زاد المعاد في هدى خير العباد / 3 / 140 ؛ سنن ابی داود / 2 / 183 : « عن ابن عباس قال صالح رسول الله (ص) اهل نجران على الفی حله النصف فی صفر و البقیه فی رجب یؤدونها الی المسلمین و عاریه ثلاثین فرسا و ثلاثین بعیرا و ثلاثین من کل صنف من اصناف السلاح یغزون بها و المسلمون ضامنون لها حتی یردوها علیهم ان کان بالیمن کید او غدره علی ان لا تهدم لهم بیعه و لا یخرج لهم قس و لا یفتنوا علی دینهم ما لم یحدثوا حدثا او یأکلوا الربا » .

[14] - احوال شخصیه اوصافی است که مربوط به شخص است صرفنظر از شغل و مقام خاص او در اجتماع و قابل تقویم و مبادله به پول نبوده و از لحاظ مدنی آثاری بر آن مترتب است مانند ازدواج و طلاق و نسب (حقوق مدنی - اشخاص و محجورین / 10) . در اصل 12 قانون اساسی اصطلاح احوال شخصیه در مورد ارث و وصیت نیز به کار رفته است